

پژوهشی سکه‌شناسی در تاریخ حکومتگران محلی بنی‌فیروزان در قرن چهارم هجری

سید مسعود شاهمرادی^۱

مسعود بیات^۲

چکیده

بنی‌فیروزان در سده چهارم هجری بر مناطقی از طبرستان و قومس حکومت داشتند. متون نوشته شده بر سکه‌های فیروزانیان نشانگر تسلط آنان بر طبرستان و قومس و تبعیت آنان از آل‌بویه است. بررسی اسامی حکمرانان بویهی منقور بر سکه‌های فیروزانیان نشانگر تبعیت حسن بن فیروزان از رکن‌الدوله بویهی و نقش‌آفرینی فرزندان او در منازعات قدرت میان فخرالدوله و عضدالدوله است. مسئله این تحقیق بررسی تاریخ این حکومتگران بر مبنای مطالعه سکه‌شناسی است. بر این مبنای متون مسکوکات حسن بن فیروزان و فرزندان او (نصر، فیروزان و لشکرزاد) بررسی و نتایج حاصل از آن با استفاده از روایات منابع تاریخی تکمیل شده است. اهمیت این تحقیق از این‌روست که تاکنون تاریخ فیروزانیان، در مقایسه با دیگر حکومت‌های محلی این سده، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد سکه‌شناسی انجام شده است. با توجه به عدم ذکر نام لشکرزاد در منابع تاریخ‌نگاری، سکه ضرب شده توسط او از اسناد حضور و فعالیت لشکرزاد در مناسبات سیاسی این عصر است. بنی‌فیروزان نظیر آل‌بویه تعلقات مذهبی خویش را بر متون مسکوکات خویش آشکار نکرده‌اند

واژه‌های کلیدی: تاریخ محلی، بنی‌فیروزان، آل‌بویه، سکه‌شناسی، سکه، طبرستان، قومس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

۱. دانشیار تاریخ اسلام، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان (مأمور به گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان)، زنجان، ایران.

S.m.shahmoradi@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

Masoud.bayat@znu.ac.ir

مقدمه

بنی‌فیروزان از خاندان‌های محلی دیلم بودند که در اواخر قرن سوم هجری ظهور کردند. فیروزان بن فولادوند، نیای این خاندان، از طرفداران علویان طبرستان بود و در منازعات میان علویان طبرستان و سامانیان حضور داشت. فرزند او حسن نیز جزو کارگزاران ماکان بن کاک، پسر عموی خویش بود که پس از مرگ او به مخالفت با زیاریان برخاست و حکومت مستقل خود را تحت زعامت رکن‌الدوله بویه‌ی آغاز نمود. حسن بن فیروزان که دختر خویش را به ازدواج رکن‌الدوله درآورد، اقدام به ضرب مسکوکاتی با نام این حاکم بویه‌ی نیز نمود. فرزندان حسن (نصر، فیروزان و لشکرزاد) نیز به فرمان‌برداری از آل‌بویه ادامه داده و سکه‌هایی با نام حکمرانان آل‌بویه ضرب نمودند. بررسی متون سکه‌های فرزندان حسن نشانگر نقش‌آفرینی آنان در رقابت‌های میان فرزندان رکن‌الدوله (فخرالدوله و عضدالدوله) است. با وجود ذکر نام نصر و فیروزان در روایات منابع مکتوب تاریخی، نامی از لشکرزاد در این روایات مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین سکه‌های باقی مانده از لشکرزاد سندی مهم درباره‌ی حضور و نقش‌آفرینی او در تحولات این برهه از تاریخ ایران است. سکه‌های فیروزانیان در مناطقی از طبرستان و قومس و به سبک مسکوکات آل‌بویه ضرب شده‌اند و در آنها نام خلفای عباسی نیز مشاهده می‌شود. می‌توان گفت فیروزانیان نظیر دیگر دیلمیان بر مذهب شیعه بودند، اما به مناسبت الگوبرداری و تبعیت آنان از سیاست مذهبی بویه‌یان، تعلقات شیعی بنی‌فیروزان در متون مسکوکات آنان بازتاب نیافته است.

مسئله این تحقیق بررسی تاریخ بنی‌فیروزان در قرن چهارم هجری بر مبنای مطالعه‌ی سکه‌شناسی و تطبیق یافته‌های آن با روایات منابع مکتوب تاریخ‌نگاری است. اهمیت و ضرورت این تحقیق از این‌روست که تاکنون تاریخ فیروزانیان، در مقایسه با دیگر حکومت‌های محلی این سده، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. هدف این تحقیق نیز نشان دادن کارکرد مطالعات سکه‌شناسی در بررسی تاریخ حکومت‌های محلی ایران است، زیرا بررسی متون منقور بر سکه‌ها یکی از دقیق‌ترین و معتبرترین منابع شناخت تحولات تاریخی اعصار مختلف به شمار می‌آید و می‌توان این‌گونه متون را به‌عنوان یکی از بهترین اسناد تاریخی محسوب نمود؛ زیرا امکان تحریف و قلب حقایق تاریخی در سکه‌شناسی، به سبب سالم ماندن مسکوکات در گذر زمان، کمتر میسر است؛ بنابراین مورخ امروزی برای تحقیق درباره‌ی تحولات تاریخی و تبیین مسائل مختلف آن می‌بایست از کاربرد دانش سکه‌شناسی غفلت نوردد.

پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه تحقیق بایست گفت، تاکنون تاریخ بنی‌فیروزان بر مبنای مطالعه سکه‌شناسی در تحقیقی مستقل مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته و صرفاً سکه‌های آنان در برخی از منابع سکه‌شناسی به صورت کلی توصیف شده است. به‌گونه‌ای که در این منابع نشانی از تحلیل متون مسکوکات آنها مشاهده نمی‌شود. آلبوم (۲۰۱۱) در کتاب «Checklist of Islamic Coins» در عباراتی مختصر صرفاً به بیان نام سه تن از حکمرانان بنی‌فیروزان که دارای سکه هستند (حسن بن فیروزان، نصر بن حسن و فیروزان بن حسن) پرداخته و مکان ضرب و نام حکمران بویهی منقور بر آنها را ذکر کرده است. در مجموعه سکه‌های معرفی شده انجمن سکه‌شناسی آمریکا نیز سکه‌هایی از نصر بن حسن و لشکرزاد بن حسن به صورت مختصر معرفی شده و محل ضرب و نام حاکمان بویهی نوشته شده بر این مسکوکات بیان شده است. (American Numismatic Society: <https://numismatics.org>) در منابع فارسی رضائی باغ‌بیدی در کتاب «سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان» (۱۳۹۳) تماماً مطالب آلبوم را ذکر کرده و متون نوشته شده بر یکی از سکه‌های حسن بن فیروزان را نیز بدون ذکر منبع نقل کرده است. سلیمانی نیز در کتاب «تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران (قرون سوم و چهارم هجری قمری)» (۱۳۹۶) به معرفی سه سکه از بنی‌فیروزان، از جمله سکه‌ای متعلق به لشکرزاد بن حسن به نقل از انجمن سکه‌شناسی آمریکا پرداخته و توضیحات بسیار مختصری درباره آنها ارائه نموده است. امتیاز تحقیق حاضر این است که در آن تا حد ممکن به بررسی و تحلیل متون مسکوکات شناخته شده بنی‌فیروزان پرداخته شده و همچنین نتایج این بررسی‌ها با استفاده از گزارش‌های منابع مکتوب تاریخی و جغرافیایی تکمیل شده است

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع بنیادی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل سکه‌شناختی و تطبیق داده‌های آن با منابع تاریخ‌نگاری است.

مراحل تحقیق به شرح زیر بوده است:

۱. گردآوری تصاویر و توصیفات سکه‌های شناخته‌شده بنی‌فیروزان از منابع چاپی و

پایگاه‌های معتبر سکه‌شناسی؛

۲. خوانش و بازسازی متون منقور بر روی سکه‌ها (نام امیر، خلیفه، دارالضرب، تاریخ ضرب، القاب و عبارات مذهبی)؛

۳. تحلیل محتوای سیاسی این متون با تمرکز بر: نام حکمرانان بویهی منقور بر سکه‌ها؛ تغییرات در ضرابخانه‌ها؛ توالی زمانی ضرب سکه‌ها.

۴. تطبیق یافته‌های سکه‌شناختی با گزارش‌های منابع تاریخی همچون ابن‌مسکویه، ابن‌اثیر، ابن‌اسفندیار و دیگر منابع محلی؛

۵. تحلیل نتایج در چارچوب مناسبات قدرت میان شاخه‌های مختلف آل‌بویه.

در این پژوهش سکه‌ها به‌عنوان اسناد رسمی حاکمیت سیاسی تلقی شده‌اند که می‌توانند نشانه‌هایی از تابعیت، مشروعیت‌سازی و جهت‌گیری‌های سیاسی حکومتگران محلی را بازتاب دهند.

ظه‌ور بنی‌فیروزان

بنی‌فیروزان حکمرانانی دیلمی بودند که نسب آنان به خاندان «فولادوند» و بزرگ آن خاندان با نام فولادوند، می‌رسید. بیهقی خاندان فولادوند را شریف‌ترین خاندان دیلمیان نامیده است. فولادوند دو فرزند با اسامی کاکي و فیروزان داشت که به پیشوایی و ریاست دیلمیان رسیدند^۱ (بیهقی، ۱۳۶۱: ۹۳). در این دوران اسماعیل بن احمد سامانی (حکومت: ۲۷۹-۲۹۵ق.) طبرستان را تحت سلطه خویش درآورد، اما حسن اطروش علوی (ناصرکیبر) که در دیلم و گیلان قدرت یافته بود، به خونخواهی محمدبن زید علوی عازم نبرد با

۱. بیهقی در مورد ریشه قدرت‌یابی فرزندان فولادوند چنین می‌نویسد: «فولادوند مردی صدساله بود، تیر بالای او کمان گشته و حواس ظاهر او عزل نامه خویش خوانده. دیالمه گفتند به اتفاق هر که سینه پیش زوبین به طوع و رغبت سپر کند و مرگ عار نشمرد، مهتری و سروری بر اولاد و احفاد او وقف کنیم و هیچ‌کس سر از ریشه طاعت او نگردانیم. فولادوند پیر بود. روز عمر او به وقت زردی آفتاب رسیده، این اختیار کرد و گفت عمر من اندکی مانده است و هیچ اولی‌تر از آن نیست که عمری که ساعه فساعه سپری خواهد شد صرف کنم در سیادت و ریاست فرزندان خویش تا دامن قیامت. پس خویشان تسلیم کرد و آن مزراق را سینه هدف ساخت و به خوش‌منشی شربت آن ضربت نوش کرد و حق تعالی او را اجل تقدیر نکرده بود و نعم‌المجن اجل مستأخر، خلق عالم عاجز باشند از دفع کردن اجل مسمی و عاجز‌تر باشند از نزدیک گردانیدن اجل مسمی و او را عمر قطع نیفتاد؛ و علاج پذیرفت و چند سال بعد از این عمر یافت و مهتری و تقدم دیالمه فرزندان او را مسلم شد» (بیهقی، ۱۳۶۱: ۹۳)

سامانیان در آمل شد.^۱ کاکای و فیروزان که ملوک گیلان و دیلم بودند، به طرفداری از ناصر با او همراه گشتند، اما در نبرد با سپاهیان اسماعیل سامانی کشته شدند (ر.ک: ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم اول: ۲۵۹-۲۶۰). باین حال نقش آفرینی این خاندان در تحولات این عصر همچنان ادامه یافت؛ زیرا فرزندان آن دو، ماکان بن کاکای و حسن بن فیروزان (بیهقی، ۱۳۶۱: ۹۳) همچنان در صحنه مناسبات سیاسی این دوران فعال بودند

از حسن بن فیروزان که سرسلسله خاندان حکومتگر بنی فیروزان بود، در تحولات بعدی دوران علویان طبرستان نیز یاد شده است. او و ماکان بن کاکای با وجود بیعت با ابوعلی الناصر محمد (نوه ناصر کبیر) به صورت مخفیانه درصدد بیعت با دیگر نواده ناصر، اسماعیل بن ابوالقاسم بن ناصر کبیر، نیز برآمدند (ر.ک: ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم اول: ۲۸۶-۲۸۷). برخی از اسماعیل در شمار حاکمان علوی یاد کرده‌اند که در سال ۳۱۷ ق. نامزد امارت شد (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۱۰۵). حسن بن فیروزان در منازعاتی که میان ماکان بن کاکای و اسفارین شیرویه، از سرداران دیلمی رخ داد نیز نقش داشت. هنگامی که ماکان برخلاف پیمان خویش با اسفار تنها بر حکومت آمل اکتفا نکرد و طبرستان را نیز تحت سیطره خویش گرفت، حسن بن فیروزان را به نیابت خویش بر طبرستان گماشت و خود عازم گرگان و خراسان شد. به گفته ابن اسفندیار، حسن بن فیروزان در این زمان «به پادشاهی بنشست و کلاه با سر اسماعیل علوی نهاد که از مادر برادر او بود» (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم اول: ۲۹۳). باین حال اسماعیل در توطئه‌ای کشته شد و حسن بن فیروزان نیز مجبور به ترک آمل و عزیمت به دیلم شد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم اول: ۲۹۴). هنگامی که ماکان بن کاکای به همراه وشمگیر زیاری (حکومت: ۳۲۳-۳۵۶ ق.) عازم نبرد با ابوعلی چغانی شد، حسن بن فیروزان را در ساری به جانشینی خود گماشت. در همین نبرد بود که ماکان بن کاکای کشته شد. (۳۲۹ ق.) (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم اول: ۲۹۷؛ در مورد قتل ماکان همچنین ر.ک: ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶: ۳۲) ابن مسکویه از حسن بن فیروزان با عنوان کارگزار ماکان یاد کرده است (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۳/۶)

وشمگیر از این نبرد جان به در برده و عازم آمل شد. حسن بن فیروزان که وشمگیر را عامل قتل ماکان می‌دانست، بر او عصیان کرد، اما سپاهیان وشمگیر او را از ساری و

۱. محمدبن زید، دومین حاکم علویان طبرستان (حکومت: ۲۷۰-۲۸۷ ق.) در جنگ با سپاه اسماعیل بن احمد سامانی کشته‌شده و بدین گونه طبرستان به دست سامانیان افتاده بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۹/۲۳-۲۴)

گرگان اخراج کردند. حسن بن فیروزان در این زمان به ابوعلی چغانی پیوست و آن دو عازم نبرد با وشمگیر شدند. باین‌حال در این زمان خبر درگذشت نصر بن احمد سامانی (حکومت: ۳۰۱-۳۳۱ ق.) و جانشینی نوح بن نصر (حکومت: ۳۳۱-۳۴۳ ق.) به آنان رسید. بدین‌گونه ابوعلی با وشمگیر صلح کرد و عازم بخارا شد و حسن بن فیروزان را نیز با خود برد؛ اما حسن بن فیروزان در میانه راه بر ابوعلی شورید و بر سپاه او تاخت و سپس عازم گرگان شد و آن شهر و همچنین دامغان و سمنان را تصرف کرد. در این زمان وشمگیر به ری لشکر کشید و این ناحیه را تصرف کرد و حسن بن فیروزان نیز خواستار صلح با او شد (ر.ک: ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۳/۶-۳۴؛ ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم اول: ۲۹۷-۲۹۸؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۰۹/۲۰-۱۱۰).

در این هنگام رکن‌الدوله بویه (حکومت: ۳۳۵-۳۶۶ ق.) عازم نبرد با وشمگیر شد و در ری بر او غلبه کرد. وشمگیر به طبرستان گریخت و دیگر بار با حسن بن فیروزان به منازعه برخاست. با پیوستن برخی از امرای وشمگیر به حسن، او به بخارا و دربار سامانیان پناه برد.^۱ (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۴/۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱۰/۲۰؛ ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم اول: ۲۹۸) حسن بن فیروزان همچنان در طبرستان بود تا اینکه وشمگیر مجدداً با کمک سپاه نوح بن نصر سامانی بر طبرستان دست یافت و حسن بن فیروزان نیز به دیلمان و سپس رویان گریخت و سرانجام در یکی از قلاع استرآباد پناه گرفت. در این زمان رکن‌الدوله عازم طبرستان و گرگان شد و حسن بن فیروزان به او پیوست. آن دو عازم گرگان شدند و وشمگیر را شکست دادند. بدین‌گونه طبرستان به تصرف بویه‌پیان درآمد. در این هنگام یکی از حاکمان محلی به همراهی ابوالفضل الثائر العلوی بر آل‌بویه شوریدند و آمل را تصرف کردند، اما در نهایت حرکت آنان ناکام ماند تا اینکه رکن‌الدوله سپاه‌یانی را به همراه حسن بن فیروزان به طبرستان اعزام کرد و بدین‌گونه تمامی طبرستان تحت سیطره حسن درآمد. باین‌حال وشمگیر مجدداً با کمک سامانیان بر حسن بن فیروزان در گرگان تاخت و او را هزیمت داد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم اول: ۲۹۹-۳۰۰). به دنبال این رویدادها بود که رکن‌الدوله با دختر حسن بن فیروزان ازدواج کرد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۴/۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۱۰/۲۰؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۹۲: ۱۴۰/۲).

۱. این رویدادها در منابع بیان شده ذیل سال‌های ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۱ ق. آمده است.

از این دوران به بعد حاکمیت بنی‌فیروزان، تحت تابعیت آل‌بویه، به سردمداری حسن بن فیروزان آغاز می‌شود و در دوران فرزندان او نیز استمرار می‌یابد. حسن بن فیروزان تا پیش از این دوران بیشتر به‌عنوان یکی از امیران ماکان بن کاکای در صحنه مناسبات سیاسی این عصر فعالیت می‌کرد، اما از این زمان او به‌عنوان حاکم مستقل محلی در صحنه مناسبات سیاسی حضور می‌یابد. ضرب مسکوکات خاص بنی‌فیروزان نیز از این عصر آغاز می‌شود که این امر نیز دیگر نشانه مهم اعلام حاکمیت آنان است، زیرا ضرب سکه به‌منزله اعلام حاکمیت فرمانروایان گوناگون محسوب می‌شود. از حسن بن فیروزان و سه تن از فرزندان او (نصر، فیروزان و لشکرزاد) سکه‌هایی باقی مانده است. سکه‌های بنی‌فیروزان جزو سکه‌های بسیار نادر هستند. تمامی سکه‌های شناخته شده فیروزانیان حاوی نام فرمانروایی بویه‌ای است (آلبوم، ۲۰۱۱: ۱۷۱)

سکه‌های حسن بن فیروزان (۳۳۰-۳۵۶ق.)

از حسن بن فیروزان سکه دیناری باقی است که در سال ۳۴۱ق. ضرب شده است. در منابع مختلف این سکه با تفاوت‌هایی در محل ضرب و همچنین برخی متون آن توصیف شده است. در برخی منابع عبارات منقور بر روی این سکه به صورت «الله، محمد رسول‌الله، رکن‌الدوله ابوعلی بویه، ... ، محمد رسول‌الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی‌الدین کله و لو کره المشرکون» و متون نوشته‌شده بر پشت آن به صورت «لا اله الا الله، محمد رسول‌الله، المطیع لله، الحسن فیروزان، بسم‌الله ضرب هذا الدینر بساری سنه احدی و اربعین و ثلثمائه، لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصرالله» آمده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۱؛ همچنین ر.ک: آلبوم، ۲۰۱۱: پانوشت: ۱۷۱؛ Baldwin's 14, 2008, lot 349) (تصاویر ۱-۲)

۱. مجموعه A H Baldwin & Sons Ltd یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین فروشندگان و حراجی‌های سکه‌شناسی در جهان است. Baldwin's در حال حاضر دارای کامل‌ترین مجموعه سکه‌شناسی در بریتانیا است. Baldwin's برای حراجی‌های سراسر جهان کاتالوگ نگاری انجام داده و در دنیای سکه‌شناسی مشهور است



باین حال در منبعی دیگر، بدون ذکر مأخذی مشخص، عبارات نوشته‌شده بر روی این سکه به صورت «الله، محمد رسول الله، رکن الدوله ابوعلی بویه، محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» و متون نوشته‌شده بر پشت آن به صورت «لا اله الا الله، وحده لا شریک له، المطیع لله، الحسن بن فیروزان، بسم الله ضرب هذا الدینر بیبار سنه احدى و اربعین و ثلثمائه، لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصرالله» توصیف شده است (رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۵۴۲؛ همچنین ر.ک: آلبوم، ۲۰۱۱: ۱۷۱، آلبوم صرفاً محل ضرب سکه را بیار نوشته و متون منقور بر سکه را ذکر نکرده است.) (تصویر ۳)



تفاوت‌های موجود در متون نوشته‌شده بر این سکه که سال ضرب آن ۳۴۱ ق. ذکر شده، شامل محل ضرب (ساری و بیار) و همچنین برخی متون حک‌شده بر آنهاست از جمله ذکر «وحده لا شریک له» به جای «محمد رسول الله» و «الحسن بن فیروزان» به جای «الحسن فیروزان»

آلبوم محل ضرب سکه فوق را «بیار» ذکر کرده و می‌نویسد محل دقیق بیار

مشخص نیست. او همچنین اشاره می‌کند که نمونه‌ای دیگر از این سکه (Islamic Coin Auction14, lot 349) ضرب ساری معرفی شده که از دیدگاه او غیرممکن به نظر می‌رسد. (آلبوم، ۲۰۱۱: پانویشت ۱۷۱) با این حال دو نکته در این زمینه حائز توجه است

نکته اول اینکه بنابر نوشته مقدسی، بیار «شهرمانندی» در قومس بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۸/۱). او همچنین می‌نویسد مردم بیار خود را قومسی می‌خوانند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۴۹/۲). لازم به ذکر است جد مادری مقدسی از بیار قومس بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱-۲؛ کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۱۶۸). یاقوت حموی نیز بیار را شهری خوش از توابع قومس معرفی می‌کند که میان بسطام و بیهق واقع بود. او می‌نویسد دکان‌های اهالی بیار خانه‌های آنان است و فروشندگان زنانشان هستند و جمعی از عالمان مشهور نیز از این شهر برخاسته‌اند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵۱۷/۱). دامغان و سمنان از دیگر نواحی قومس معرفی شده‌اند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۵۲؛ قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۴۴). همان‌گونه که پیشتر بیان شد حسن بن فیروزان در سال ۳۲۹ و یا ۳۳۰ ق. دامغان و سمنان را تصرف کرد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۴/۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۰۹/۲۰)؛ بنابراین بیار نه تنها منطقه‌ای نامشخص نیست، بلکه در منابع جغرافیایی به صورت واضح معرفی شده و جزو مناطق تحت سلطه حسن بن فیروزان بوده است. نکته دوم اینکه طبرستان نیز از مناطق تحت تسلط حسن بن فیروزان بود، زیرا رکن الدوله در سال‌های ۳۳۶ و ۳۴۱ ق. حکومت طبرستان را به حسن بن فیروزان سپرد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۹۲: ۱۴۰۴/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/۳۱۸)

با توجه به توضیحات بیان شده انتساب محل ضرب این سکه به هر دو شهر (ساری و بیار) قابل توجیه است. به علاوه می‌توان امکان ضرب جداگانه این سکه در هر دو شهر را نیز مطرح نمود به‌ویژه اینکه تفاوت‌هایی در متون منقور بر این سکه مشاهده می‌شود که امکان ضرب آن را در دو شهر جداگانه (ساری و بیار) محتمل می‌سازد. در هر حال ذکر نام رکن الدوله بر این سکه نشانگر تبعیت حسن بن فیروزان در تاریخ ضرب این سکه از اوست. گزارش‌های منابع مختلف نیز حاکی از روابط مستحکم حسن بن فیروزان با آل بویه است. ابن حوقل، حسن را از یاران رکن الدوله معرفی کرده است (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۸۳/۲). رکن الدوله در سال ۳۳۰ ق. با دختر حسن بن فیروزان ازدواج نمود که ثمره آن فخرالدوله بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱۰/۲؛ همچنین ر.ک: بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۳۱؛ مجمل التواریخ و القصاص، ۱۳۷۸: ۳۰۴). رکن الدوله نسبت به حسن بن فیروزان توجه ویژه‌ای داشت، به‌گونه‌ای که

همواره او را در مقابل رقیبانس یاری می‌کرد، محافظ سرزمین‌های او بود و هیچ‌گاه از او خراج و مالیات نستاند (ر.ک: ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۱۵/۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۶۶/۲۱)

سکه‌های نصر بن حسن (دهه ۳۷۰ ق.)

نصر بن حسن سکه‌هایی از نوع درهم را در شهرهای دامغان، بسطام (ضرب ۳۷۵ ق.) و محمدیه (ری) ضرب نموده است که بر آنها نام فخرالدوله بویه می‌شود (آلبوم، ۲۰۱۱: ۱۷۱؛ American Numismatic Society: <https://numismatics.org>؛ سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۰؛ رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۵۴۱). (تصاویر ۴-۵)



نصر بن حسن دایی فخرالدوله بود (بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۳۱) و در دوران فرمانروایی او مدتی حکومت گرگان را برعهده داشت (رابینو، ۱۳۸۳: ۲۱۰). قومس و ری نیز از مناطق تحت تسلط نصر نام برده شده‌اند (ر.ک: ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسمدوموسوم: ۵؛ مرعشی، ۱۳۶۱: ۷۹). در روایتی قومس «مقامگاه نصر» نامیده شده است (عتبی، بی‌تا: ۱۰۰). مؤلف تاریخ بیهق از نصر با عنوان «سپهبد دیالمه» نام برده و می‌نویسد او در ابتدای دوران غزنویان به خراسان عزیمت و در قصبه جشن ازدواج کرد و نوادگانی از او باقی ماندند (بیهقی، ۱۳۶۱: ۹۳). قلعه شاه دژ در جبل شهریار توسط نصر بن حسن در حوالی سال ۳۶۰ ق. احداث گردید (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۳۱۶/۳)

با وجود تبعیت نصر بن حسن از آل بویه و ارتباط خانوادگی او با فخرالدوله بویه، گزارش‌هایی از رویارویی او با فخرالدوله وجود دارد. براساس روایتی که در تاریخ یمینی آمده فخرالدوله سپاهی را به یاری حسام الدوله تاش، از امرای سامانیان، اعزام کرد و به نصر نیز دستور داد به این سپاه پیوسته و از تاش اطاعت کند؛ اما هنگامی که این سپاهیان به قومس رسیدند، نصر آنان را تار و

مار کرد. هنگامی که خبر این اقدام به فخرالدوله رسید او برآشفته و درصدد انتقام برآمد. بدین گونه فخرالدوله عازم قومس شد، اما نصر که خطر را احساس کرده بود درصدد پوشش برآمد و تاش را شفیع کرد تا فخرالدوله از او درگذرد. فخرالدوله نیز به سبب شیخوخیت و نسبت خانوادگی پوشش او را پذیرفت و از انتقام جویی صرفنظر کرد (عتبی، بی تا: ۹۹-۱۰۱). ابن اثیر نیز می نویسد نصر در سال ۳۷۸ق. در دامغان بر فخرالدوله عصیان ورزید و سپاهی از دیلمیان برای مقابله با وی از ری به دامغان عزیمت کرد. نصر چون این امر را جدی دانست با فخرالدوله مکاتبه کرد و مجدداً در مقام اطاعت او برآمد. فخرالدوله نیز ضمن پذیرش فرمان برداری مجدد نصر، او را در جایگاه پیشینش برقرار داشت (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۷۷/۲۱)

در یکی از منابع درهمی متعلق به نصر بن حسن معرفی شده که در سال ۳۷۹ق. در محمدیه (ری) ضرب شده و در آن از فخرالدوله به صورت «الامیر السید فخرالدوله و فلک الامه بن رکن الدوله» یاد شده است. بر روی این سکه عبارات: «الله، محمد رسول الله، الامیر السید فخرالدوله و فلک الامه بن رکن الدوله، نصر بن الحسن، محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» و بر پشت آن متن: «لا اله الا الله، وحده لا شریک له، الطائع لله، بسم الله ضرب هذا الدرهم بالمحمدیه سنه تسع و سبعین و ثلثمائه، لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصرالله» نوشته شده است (ر.ک: سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۲). (تصویر ۶) این سکه که تاریخ ضرب آن یک سال پس از تاریخ تمرّد نصر از آل بویه است، مؤید روایت ابن اثیر است زیرا نشان می دهد در این سال نصر مجدداً تحت تابعیت آل بویه بود. با این حال نکته جالب توجه در مورد این سکه ضرب آن در محمدیه (ری) است، زیرا هرچند برخی ری را نیز از مناطق تحت سلطه نصر بن حسن ذکر کرده اند (ر.ک: مرعشی، ۱۳۶۱: ۷۹)، اما با توجه به اخبار مربوط به عصیان او و اعزام سپاهی از ری به قومس توسط فخرالدوله، ری در این زمان جزو مناطق تحت تسلط حسن نبود و مرکز حکومت فخرالدوله محسوب می شد. به علاوه مطابق روایات تاریخی مسلم است که فخرالدوله از سال ۳۶۶ق. مقیم ری بود. عضدالدوله در سال ۳۶۹ق. مناطق میان ری و همدان را که در تسلط فخرالدوله بود تصرف کرد که این امر تا سال ۳۷۳ق. ادامه یافت و او در این زمان سرزمین های خویش را باز پس

گرفت (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹۰/۲۱، ۱۲۳ و ۱۴۶). فخرالدوله همچنین در سال ۳۷۹ق. یعنی در همان تاریخی که سکه فوق در ری ضرب گردید) از ری به همدان رفت تا عازم تصرف عراق شود (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۸۱/۲۱). گفتنی است فخرالدوله در سال ۳۸۷ق. در قلعه طبرک (در ری) درگذشت (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۴۶/۲۱) می‌توان احتمال داد، تجدید روابط حسنه نصر و فخرالدوله سبب گردید این سکه با نام آن دو در ری، مرکز حکومت فخرالدوله، ضرب شود تا بدین‌گونه فخرالدوله علاقه خویش به بنی‌فیروزان که خویشاوندان نزدیک او بودند را نشان دهد و خاطره عصیان او نیز از یادها محو شود



تصویر ۶
(سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۲)

سکه‌های فیروزان بن حسن

از فیروزان بن حسن سکه درهمی (با ضربخانه نامشخص) موجود است که بر آن نام مجدالدوله بویه‌ی نوشته شده است (آلبوم، ۲۰۱۱: ۱۷۱؛ سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۰؛ رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۵۴۱)

در مورد فیروزان بن حسن این نکته دانسته است که در دوران فخرالدوله حکومت دیلمان را بر عهده داشت (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم دوم و سوم: ۵؛ مرعشی، ۱۳۶۱: ۷۹؛ رابینو، ۱۳۸۳: ۲۱۲). فیروزان از امرای فخرالدوله بود و توسط او به مأموریت‌های نظامی فرستاده می‌شد (ر.ک: عتبی، بی‌تا: ۱۰۱؛ مرعشی، ۱۳۶۱: ۸۰؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۶: ۱۰۷). فیروزان در دوران مجدالدوله مغلوب سپاهیان تحت حمایت قابوس زیاری شد و دستگیر گردید. (۳۸۷ق.) (ر.ک: ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم دوم سوم: ۶-۸؛ عتبی، بی‌تا: ۲۶۲؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۶: ۱۰۸؛ مرعشی، ۱۳۶۱: ۹۵)

بعد از درگذشت فخرالدوله فرزندش مجدالدوله جایگزین او شد. مجدالدوله در این هنگام چهار سال داشت و به همین سبب مادرش عهده‌دار تدبیر امور حکومت او شد و فرامین حکومتی با تصمیم و رأی او صادر می‌شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۴۶/۲۱). در منابع تاریخی

گزارشی از تعاملات و روابط فیروزان بن حسن و مجدالدوله و یا مادر او بیان نشده است. با این حال سکه‌های فیروزان که حاوی نام مجدالدوله است نشان می‌دهد او در این دوران نیز تابعیت و فرمان‌برداری خویش از بویه‌یان ری را همچنان حفظ کرده بود و از مجدالدوله نیز نظیر پدرش فخرالدوله فرمان می‌برد.

سکه‌های لشکرزاد بن حسن

در آرشیو انجمن سکه‌شناسی آمریکا سکه‌ای متعلق به لشکرزاد بن حسن معرفی شده است. این سکه دره‌می ضرب سال ۳۶۶ق. در دامغان است که بر آن اسامی موبدالدوله و عضدالدوله بویه‌یی نیز نوشته شده است (<https://www.numismatics.org>). بر روی این سکه عبارات «الله، محمد رسول‌الله، عضدالدوله ابوشجاع، موبدالدوله ابومنصور، محمد رسول‌الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» و بر پشت آن نیز متن «لا اله الا الله، الطائع لله، لشکرزاد بن الحسن، بسم‌الله ضرب هذا الدرهم بالدامغان سنه ست و ستین و ثلثمائه، لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصرالله» منقور است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۱). (تصویر ۷)



در منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به فرزند حسن بن فیروزان با نام لشکرزاد وجود ندارد، درحالی‌که نام این امیر فیروزانی و محل ضرب نوشته شده بر این سکه (لشکرزاد و دامغان که جزو مناطق تحت سلطه بنی‌فیروزان بود) حضور این امیر فیروزانی را در تحولات این عصر اثبات می‌کند. نکته جالب‌توجه در مورد این سکه این است که متون آن حاوی نام‌های عضدالدوله و موبدالدوله بویه‌یی است. همان‌گونه که پیشتر بیان شد در سکه‌های نصر بن حسن نام فخرالدوله و بر مسکوکات فیروزان بن حسن نیز نام مجدالدوله بویه‌یی منقور است.

بر مبنای روایات تاریخی در سال ضرب سکه توصیف شده از لشکرزاد (۳۶۶ق.)، رکن‌الدوله درگذشت و فرزندش عضدالدوله جایگزین او شد. رکن‌الدوله در سال پیش از آن عضدالدوله را به جانشینی خود انتخاب کرده و دیگر فرزندان، فخرالدوله و مویدالدوله را نیز تحت فرمان عضدالدوله به‌عنوان حاکمان جبال و اصفهان تعیین نموده بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۸۳/۲۱؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۳۰/۶). با این حال روابط حسنه عضدالدوله و فخرالدوله چندان نپائید زیرا عضدالدوله در آغاز حکومت خویش در سال ۳۶۶ق. متوجه خصومت فخرالدوله شد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۸۵/۲۱). روابط میان آن دو تا بدانجا به خصومت کشید که عضدالدوله در سال ۳۶۹ق. به بلاد فخرالدوله لشکر کشید و آن ناحیه را تصرف کرد. دلیل این امر همدستی فخرالدوله با بختیار بن معزالدوله برای تصرف سرزمین‌های عضدالدوله بود. در این زمان مویدالدوله، برادر دیگر عضدالدوله، مطیع او بود، اما فخرالدوله برخلاف وصیت رکن‌الدوله، خویش را نه حاکمی مطیع عضدالدوله بلکه پادشاهی همسنگ او می‌پنداشت. فخرالدوله پس از شکست در برابر عضدالدوله و از دست دادن طبرستان به قابوس بن وشمگیر زیاری در گرگان پناه برد و عضدالدوله نیز سرزمین‌های تحت فرمان فخرالدوله در همدان و ری را به برادر دیگرش مویدالدوله واگذار کرد و او را جانشین خود در آن ولایات نمود (ر.ک: ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۲۱/۲۱-۱۲۳). عضدالدوله در سال ۳۷۱ق. نیز مویدالدوله را عازم تصرف گرگان نمود، زیرا قابوس زیاری از تسلیم فخرالدوله به او خودداری کرده بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۲/۲۱؛ ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، قسم دو و سوم: ۵). فخرالدوله در سال ۳۷۳ق. و پس از درگذشت مویدالدوله به سرزمین‌های سابق خود بازگشت و حاکمیت خود را بر این مناطق از سر گرفت^۱ (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴۶/۲۱)

بر مبنای روایات بیان‌شده مشخص می‌شود که پس از درگذشت رکن‌الدوله حکومت بویه‌یان به دو جناح تقسیم شد که در یک سمت آن عضدالدوله و مویدالدوله و در سمت دیگر آن فخرالدوله صف‌آرایی کرده بودند. این صف‌آرایی در میان حکمرانان محلی نیز تأثیر بسزایی نهاد زیرا هر یک از آنان نیز با در نظر داشت مصالح خاص خویش به هر یک از طرفین نام برده پیوستند. به‌عنوان نمونه بعد از درگذشت حسنویه برزیکانی، مؤسس حکومت آل حسنویه در کردستان و قرماسین، در سال ۳۶۹ق. برخی از فرزندان او به اطاعت فخرالدوله

۱. عضدالدوله نیز یک سال پیشتر، در سال ۳۷۲ق. درگذشته بود (ر.ک: ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۹/۲۱).

درآمدند و برخی دیگر هم فرمان‌برداری عضدالدوله را پذیرفتند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۲۱/۲۱؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۸۹/۶)

بررسی متون سکه‌های باقی مانده از فرزندان حسن بن فیروزان نشان می‌دهد آنان نیز در جریان این تحولات قرار گرفته و از آن متأثر شده‌اند؛ زیرا نصرین حسن با ذکر نام فخرالدوله و فیروزان بن حسن با ذکر نام جانشین فخرالدوله، مجدالدوله، بر سکه‌های خویش، تابعیت جناح آنان را پذیرا شدند؛ اما لشکرزاد برخلاف برادرانش به عضدالدوله و مویدالدوله پیوسته و نام آنان را در سکه خویش آورده است. با توجه به عدم ذکر نام لشکرزاد در گزارش‌های تاریخی این عصر، این سکه سندی مهم دربارهٔ تحولات این مقطع از تاریخ آل‌بویه و بنی‌فیروزان محسوب می‌شود.

گرایش مذهبی بنی‌فیروزان

بر روی سکه‌های شناخته‌شده بنی‌فیروزان نام خلفای وقت عباسی نوشته شده از جمله بر سکه حسن بن فیروزان نام المطیع لله (خلافت: ۳۳۴-۳۶۳ ق.) و بر مسکوکات نصرین حسن و لشکرزاد بن حسن نام الطائع لله (خلافت: ۳۶۳-۳۸۱ ق.) مشاهده می‌شود. عامه اهل سنت نهاد خلافت عباسی را استمرار خلافت صدر اسلام قلمداد می‌کردند و به همین مناسبت خلفای عباسی مرجع مشروعیت بخش در میان اهل سنت محسوب می‌شدند. باین‌حال ذکر نام این خلفا بر سکه‌های بنی‌فیروزان را نمی‌توان به‌منزلهٔ پذیرش زعامت و مشروعیت مذهبی آنان که همان عقاید اهل سنت بود، از سوی بنی‌فیروزان دانست؛ زیرا اولاً مطابق گزارش مقدسی در قرن چهارم هجری مردمان نواحی دیلم شیعه‌مذهب بوده‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۴۲/۲). همچنین دیلمیانی که در همین سده توسط حسن اطروش علوی (ناصرکبیر، حکومت: ۳۰۱-۳۰۴ ق.) به اسلام گرویدند بر مذهب شیعه بودند (فقیهی، ۱۳۸۹: ۴). در وهله دوم نباید از این نکته غفلت نمود که سکه‌های بنی‌فیروزان به سبک سکه‌های آل‌بویه ضرب شده‌اند؛ زیرا بر این سکه‌ها نام خلفای عباسی و متون «الله، محمد رسول‌الله، محمد رسول‌الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» و «لا اله الا الله، وحده لا شریک له، الله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصرالله» که عموماً بر سکه‌های بویه‌یان منقور است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۹۶) مشاهده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت بنی‌فیروزان

به سبب متابعت از آل‌بویه شیوهٔ آنان در ضرب سکه را نیز در پیش گرفته و حتی نام خلفای عباسی وقت را نیز بر مسکوکات خود ذکر کرده‌اند، درحالی‌که در منابع تاریخی هیچ‌گونه اشاره‌ای مبنی بر روابط آنان با خلفای عباسی زمانه مشاهده نمی‌شود. از دیگر سو همان‌گونه که آل‌بویه شیعه‌مذهب تعلقات شیعی خود را بر مسکوکات خویش بازنمایی نکرده‌اند (ر.ک: شاهمرادی، ۱۳۹۹: ۱۵۴-۱۵۵). فیروزانیان نیز به تبعیت از آنان مذهب خویش را بر مسکوکات خود منعکس نکرده‌اند، زیرا به احتمال بسیار آنان نیز بر مذهب شیعه بودند

نتیجه‌گیری

خاندان بنی‌فیروزان از دوران سامانیان در عرصهٔ تحولات سیاسی طبرستان ظهور کردند؛ باین حال ایجاد حکومت مستقل آنان به دوران آل‌بویه برمی‌گردد. سکه‌های معدود و نادری از بنی‌فیروزان باقی است که بررسی متون آنها تاریخ این حکومتگران محلی را روشن‌تر می‌سازد. ایجاد حکومت مستقل این خاندان به دوران حسن بن فیروزان برمی‌گردد، زیرا او با ضرب سکه‌های مختص خویش ایجاد حکومت محلی بنی‌فیروزان در طبرستان و قومس را اعلام نمود. از فرزندان او (نصر، فیروزان و لشکرزاد) نیز سکه‌هایی باقی است که به‌ویژه در قومس ضرب شده‌اند. در تمامی این سکه‌ها نام پادشاهان آل‌بویه نوشته‌شده است، بدین‌گونه که در سکه‌های حسن بن فیروزان نام رکن‌الدوله و در مسکوکات نصر بن حسن و فیروزان بن حسن به ترتیب اسامی فخرالدوله و مجدالدوله بویهی مشاهده می‌شود. متون سکه‌های لشکرزاد نیز حاوی اسامی عضدالدوله و مویدالدوله بویهی است. این امر نشانگر تبعیت فیروزانیان از آل‌بویه است. از نصر بن حسن و فیروزان بن حسن در منابع تاریخ‌نگاری یاد شده است، اما نامی از لشکرزاد در روایات تاریخی وجود ندارد؛ بنابراین مسکوکات او سندی مهم در تاریخ بنی‌فیروزان به شمار می‌آید و نشانگر حضور او در عرصهٔ مناسبات سیاسی این عصر است. بر مبنای مطالعه متون مسکوکات بنی‌فیروزان می‌توان گفت در جریان منازعاتی که پس از درگذشت رکن‌الدوله میان فرزندان او ایجاد شد و منجر به صف‌آرایی عضدالدوله و مویدالدوله از یک‌سو و فخرالدوله از سوی دیگر گردید، نصر و فیروزان به جناح فخرالدوله پیوستند و نام او را بر مسکوکات خویش درج کردند، اما لشکرزاد به طرفداری از عضدالدوله برخاست و نام او و مویدالدوله (که تحت فرمان برادر خویش در ری و همدان فرمان می‌راند) را بر سکه‌های

خویش آورد. همچنین بررسی متون سکه‌های بنی‌فیروزان نشان می‌دهد، آنان مسکوکات خویش را به سبک سکه‌های آل‌بویه ضرب نموده و حتی به تبعیت از بویه‌پیمان نام خلفای عباسی وقت را نیز بر این سکه‌ها نوشته‌اند. باین‌حال نمی‌توان این امر را به معنای پذیرش زعامت مذهبی خلفای عباسی از سوی فیروزانیان دانست، زیرا آنان نیز به احتمال بسیار، نظیر دیگر دیلمیان، بر مذهب شیعه بودند و صرفاً با در پیش گرفتن سیاست مذهبی آل‌بویه شیعه‌مذهب، نام خلفای عباسی را نیز بر مسکوکات خویش نوشته‌اند. اسامی دارالضرب‌های منقور بر سکه‌های بنی‌فیروزان نیز نشانگر جغرافیای حاکمیت آنان یعنی طبرستان و قومس است. در نهایت بایست گفت بررسی متون سکه‌های بنی‌فیروزان نشانگر این نکته است که کاربرد مطالعات سکه‌شناسی می‌تواند تاریخ حکومت‌های محلی و کمتر شناخته شده ایران در دوران اسلامی را واضح‌تر سازد

منابع

- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان. تهران: پدیده خاور.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۹۳۸م). صورة الأرض. بیروت: دار صادر.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۷۶). تجارب الأمم. ترجمه علینقی منزوی. جلد ۶. تهران: توس.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۱). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران. ترجمه عباس خلیلی و ابو القاسم حالت. تهران: علمی.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۶۱). تاریخ بیهقی. تهران: کتابفروشی فروغی.
- حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۶۸). علویان طبرستان. تهران: الهام.
- رایینو، یاسنت لویی (۱۳۸۳). مازندران و استر آباد. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- رشید الدین فضل الله (۱۳۸۶). جامع التواریخ (تاریخ سامانیان و بویه‌پیمان و غزنویان). تصحیح محمد روشن. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۹۲). جامع التواریخ (تاریخ ایران و اسلام). تصحیح محمد روشن. جلد ۲. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- رضائی باغ بیدی، حسن (۱۳۹۳). سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان. تهران: سمت.
- سرفراز، علی اکبر و فریدون آورزمانی (۱۳۸۹). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)
- سلیمانی، سعید (۱۳۹۶). تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران (قرون سوم و چهارم هجری

قمری). تهران: برگ نگار

شاهمرادی، سید مسعود (۱۳۹۹). تاریخ تشیع در ایران بر مبنای سکه‌شناسی: از آغاز تا تأسیس

صفویه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عتبی، محمد بن عبدالجبار (بی تا). تاریخ یمینی. ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد

جرفادقانی، تهران: بی نا

فقیهی، علی اصغر (۱۳۸۹). تاریخ آل بویه. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاهی (سمت)

قدامه بن جعفر (۱۳۷۰). کتاب الخراج. ترجمه و تحقیق حسین قرچانلو. تهران: نشر البرز.

کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹). تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی. تهران: انتشارات

علمی فرهنگی.

مجله التواریخ و القصص (۱۳۷۸ ش/ ۲۰۰۰ م). تصحیح نجم‌الدین سیف آبادی و زیگفرید وبر. آلمان: دومنده

نیکاروزن.

مرعشی، ظهیرالدین بن نصیرالدین (۱۳۶۱). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق

مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). أحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت

مولفان و مترجمان.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۹۹۵). معجم البلدان. بیروت: دار صادر.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶). البلدان. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Album, Stephen (2011). *Checklist of Islamic Coins, 3rd Edition*, Santa Rosa:

STEPHEN ALBUM RARE COINS.

منابع اینترنتی

American Numismatic Society: <https://numismatics.org>

Baldwin's ۱۴, ۲۰۰۸, Islamic CA ۱۴- catalogue.pdf: <https://media.baldwin.co.uk>

<https://auctions.cngcoins.com>

<https://coin-identifier.com>

<https://www.numisbids.com>